

## نقش اسناد بریتانیا در تحلیل تاریخ معاصر ایران در گفت و گو با عبدالله شهبازی مورخ و محقق تاریخ معاصر ایران

علنی کردن اسناد در ایران نه قانونمند است و نه روشمند

گفت‌وگو: سید ابوالحسن مختاباد

گفتگوی زیر با آقای سید ابوالحسن مختاباد، روزنامه‌نگار باسابقه و سرشناس، انجام گرفت به مناسبت انتشار اسناد جدید دولتی بریتانیا و پژوهشی که دکتر مجید تفرشی در این زمینه در دست دارد. گفتگوی فوق در ضمیمه هفتگی روزنامه اعتماد، ۱۷ دی ۱۳۸۸، منتشر شد.

مطالب مرتبط :

تحقیقات و اسناد تاریخی پس از انقلاب اسلامی ایران  
وضع مؤسسات تحقیقات تاریخی در ایران  
تاریخ و تاریخنگاری جدید در ایران  
"پنهانکاری انگلیسی" و اسرار دو کودتا

۱۴  
پنجشنبه ۱۷ دی ۱۳۸۸

پرونده



می‌توان در یک نگاه مقایسه‌ی بی‌پرونده‌آزاری برداشت که از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی در یک سو و موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی و موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در دیگر سو انجام داده‌اند. نگاه شهبازی به تاریخ نگاری علمی در ایران و تعریف برخی طرح‌های ماندگار، در دورانی که خود مدیریت دو مرکز تاریخ نگاری مهم ایران را بر عهده داشت و برون‌دهی برخی از این طرح‌ها نشان می‌دهد وی چه ایده‌های درازمدتی را در سر داشته است که برخی از آنها عملی و برخی دیگر همانند ایجاد مرکز اسنادی که اسناد کشورهای چون آمریکا، بریتانیا، هند و روسیه را که درباره ایران اسناد مهمی دارند، عملی نشد. شهبازی در این روزهای حساس متفاوت از

بسیاری از تاریخ نگاران حرکت کرده است. آشنایی وی با فضای آنلاین و مجازی و تسلطش بر چند زبان سبب شده است نوشته‌هایش خواندنی باشد. وی با جمع بست دانش تاریخی و تبارشناسانه‌اش از رخدادهای داخلی و خارجی سعی کرده است تحلیلی متفاوت از اوضاع کنونی کشور به دست دهد؛ تحلیلی که بر آگاهی‌های تاریخی وی از تحولات ایران استوار است. امید که ارزیابی‌های این مورخ گوش شنوایی هم پیدا کند. گفت‌وگوی ما با آقای شهبازی البته به تحولات روز مرتبط نیست، بلکه به مناسبت انتشار اسناد آرشیو ملی بریتانیا درباره ایران بازمی‌گردد که از سوی محقق کرانمایه دکتر مجید تفرشی در سایت ایران دیپلماسی قرار گرفته است.



گفت‌وگو با عبدالله شهبازی مورخ و محقق تاریخ معاصر ایران

## علنی کردن اسناد در ایران نه قانونمند است و نه روشمند

- آقای شهبازی، اسنادی که در آرشیو ملی بریتانیا و به فاصله گلشت ۳۰ سال از یک واقعه آزاد می‌شود، تا چه اندازه و جایگاهی اهمیت دارد؟

اسناد دولتی بریتانیا از نظر مورخان، از جمله مورخان ایرانی، حائز اهمیت فراوان است به دو دلیل؛ اول، جایگاه بریتانیا در تکوین جهان معاصر از قرن شانزدهم میلادی که در مورد تاریخ ایران، برای مثال در اسناد مهمی چون سفرنامه جتکینسون به ایران، در زمان شاه طهماسب صفوی / الیزابت اول و سفرنامه‌ها و گزارش‌های بریتانیایی‌های سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی ثبت شده. می‌دانیم که بریتانیا در قرن نوزدهم

تا جنگ جهانی دوم یک امپراتوری جهانی بود و بخش مهمی از دنیا را زیر سیطره داشت. از این منظر، اسناد بریتانیا منحصر به فرد شناخته می‌شود.

دوم، بریتانیا تنها کشور اروپایی است که آرشیو و اسناد دولتی آن در بمباران‌های جنگ جهانی دوم آسیب ندید و پس از آتش‌سوزی بزرگ شهر لندن در زمان چارلز دوم (۱۶۶۶) توانست انبوهی از اسناد دولتی و خصوصی را در آرشیوهای مختلف گرد آورد. این گنجینه سبب شده امروزه شهر لندن به یکی از بزرگ‌ترین مراکز تحقیقی مورخان بدل شود.

- نحوه تجمیع این اسناد چگونه است، یعنی از چه منابع و مراکزی این اسناد گردآوری می‌شوند؟

مراکز اسناد بریتانیا متنوع است و تنها در یک مرکز مجتمع نیست. مهم‌ترین مکان، مرکز اسناد دولتی است که پیشتر Public Records Office نام داشت. این مرکز در سال ۱۸۳۸ میلادی تأسیس شد. در سال ۲۰۰۳ مرکز فوق به «آرشیو ملی» تبدیل شد و کار دیجیتال کردن اسناد تاریخی را نیز دنبال کرد. امروزه حدود ۲۷۰ میلیون برگ سند به صورت دیجیتال و از طریق اینترنت در این مرکز در دسترس محققان است البته در ازای پرداخت پول. در واقع مراکز اسناد بریتانیا همواره درآمد قابل توجهی از طریق

مشألاً استاد سر سیسیل روفز، که مستعمرات انگلیس در جنوب آفریقا را ایجاد کرد و به عنوان بنیانگذار کمپانی دبیر و امپراتوری جهانی الماس شناخته می‌شود، در کتابخانه بنیاد روفز در دانشگاه آکسفورد حفظ می‌شود.

اسناد شخصی بعضی از این رجال سیاسی یا اقتصادی در رابطه با تاریخ ایران حائز اهمیت اند مانند سر ویستون چرچیل که در زمانی که وزیر جنگ بود کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ در ایران رخ داد و در زمانی که نخست‌وزیر بود کودتای

۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به اسناد کمپانی‌های فعال در ایران نیز باید اشاره کنم. مهم‌ترین آنها، اسناد بانک شاهنشاهی ایران است که بعد از انضمام رسمی این بانک به بانک هنگ کنگ دانشگاه HSBC اسناد فوق در بندر هنگ کنگ نگهداری می‌شد و پس از انضمام این بندر به چین به لندن انتقال یافت.

- تهیه کنندگان و نویسندگان این اسناد و نامه‌ها چه کسانی اند و دانش و تخصص‌شان در تحلیل و ارزیابی رویدادها تا چه اندازه کارشناسانه و مورد اعتماد است؟

اسناد بریتانیا از منظر تهیه کنندگان و نویسندگان طیف وسیعی را دربر می‌گیرد. برخی اسناد رسمی دولتی

ارائه اسناد داشته‌اند. این تنها مرکز اسناد دولتی بریتانیا نیست. آرشیو ملی اسکاتلند و مرکز اسناد ایرلند شمالی نیز به طور مستقل هستند.

به علاوه، باید به برخی مراکز اسناد مهم اشاره کرد مانند اسناد موجود در وزارت امور هندوستان سابق (اِندیا آفیس) که پس از استقلال هند به مرکز اسناد تبدیل شد. اسناد اِندیا آفیس به دلیل جایگاه دولت هند بریتانیا در امور ایران برای شناخت تاریخ ما حائز اهمیت فراوان است.

در دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های بریتانیا، مانند کتابخانه ملی بریتانیا، British Library و کتابخانه بادلین دانشگاه آکسفورد نیز میلیون‌ها کتاب و سند مکتوب و صوتی نگهداری می‌شود. این اسناد و کتب نفیس را بریتانیایی‌ها از قرون شانزدهم به بعد، به ویژه در سده نوزدهم به بریتانیا منتقل کرده‌اند.

مثلاً از تلمود، کتاب فقهی یهودیان که کهن‌ترین کتاب فقهی جهان و یکی از مهم‌ترین منابع دین‌شناسی است، نسخه مهمی در کتیبه‌ی در فاهره به دست آمد که به کتابخانه بادلین انتقال یافت. این نسخه به سال ۱۱۲۳ میلادی تعلق دارد.

بخش دیگر اسناد بریتانیا، اسناد رجال و شخصیت‌های سیاسی است که در اماکن مختلف نگهداری می‌شود.

### نگاه

سفیر بریتانیا در بخشی از گزارش خود درباره شاه ایران نوشته است: «شاه را اسانی خجالتی و درونگرا قلمداد می‌کنند که این روحیه با افزایش قدرت و شکوه او تقویت شده بود؛ فردی مزوی و فاقد حس مباحثه جدی که اطلاعاتش را به صورت دست دوم از افرادی دریافت می‌کرد که به طور مداوم از جامعه جداتر و خودکام‌تر می‌شدند و به جای واقعیت تلخ، فقط به او چیزهایی را می‌گفتند که او دوست داشت بشنود». این تحلیل از روانشناسی محمدرضا شاه درست است. سال‌ها قبل‌تر از آن خاتم آن لمیتون کارمند سفارت بریتانیا در تهران که بعدها به یکی از برجسته‌ترین ابراشناسان غرب بدل شد و اخیراً فوت کرد، در گزارشی به لندن نوشته بود: «شاه موجود مهمتی است که نه خود می‌تواند حکومت کند و نه می‌گذارد دیگران کشور را اداره کنند».

است. مثلاً فرمان است یا صورتجلسه. برخی گزارش‌های مأموران محلی در فلان شهر دورافتاده است. برخی سخنرنامه است. در میان گزارش‌های محلی گاه جزئیات بسیار ارزشمندی یافت می‌شود به خصوص در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که در منابع ایرانی ثبت نشده. بیگ نسونه، گزارش‌های غلامعلی خان نواب از حوادث شیراز در دوره ناصرالدین شاه است که مرحوم سعیدی سیرجانی آن را با عنوان اوقاع اتفاقیه منتشر کرده البته بدون ذکر نام گزارش دهنده یعنی غلامعلی خان نواب.

استفاده از سند به تخصص و دانش مورخ بستگی دارد. گاه از یک سند به ظاهر کم ارزش می‌توان به نتایج بزرگ رسید. گاه استاد از منظر افراد مغرض است ولی قابل استفاده است. نمی‌توان در این زمینه حکم قطعی داد و یک فرمول ارائه کرد که بر اساس آن همه استاد را بتوان محک زد. استفاده از سند کاری است بسیار تخصصی و نیازمند ممارست و تجربه.

تأیید و رویت‌های خاصی برای برخی گزارش‌هایی که منقاری انگلیسی از اقصی نقاط دنیا، مثلاً ایران می‌فرستد حاکم است یا اینکه برخی از این گزارش‌ها سلیبی است؟

گزارش‌هایی رسمی روستعد است. برخی گزارش‌ها حاوی اتفاقات و وقایع است و ممکن است شامل شایعات نیز باشد. برخی سلیبی است. ده‌ها میلیون برگ سند وجود دارد و نمی‌توان آنها را تابع یک حکم کرد.

در ارسال گزارش محدودیت جغرافیایی مدنظر است یا محدودیت موضوعی، برای نمونه اگر در کنفرانس گولالوب درباره ایران بحثی شود، مسوول تنظیم گزارش و ارجاع آن به وزارت خارجه چه سببی است؟

استاد مختص به وزارت خارجه نیست. در بریتانیا، کلیه استاد دولتی حقیق می‌شود و این امر شامل تمامی نهادهای دولتی است. شما به عنوان محقق شاخص عصره تاریخ معاصر، چه ارزیابی از این استاد دارید و تطبیق آنها با واقعیت‌های سیاسی را تا چه اندازه مهم ارزیابی می‌کنید؟

من به عنوان محقق تاریخ‌نگاری ایران را بدون بهره‌گیری از استاد بریتانیا ناممکن می‌دانم. زمانی که در موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران مسوولیت داشتم، به شدت در تلاش بودم تا با استفاده از امکانات گسترده مالی بنیاد حتی مشغول تصاویر استاد آرشیه‌های بریتانیا و آمریکا و فرانسه و روسیه، به خصوص استاد تفسیلی که مرکز نایب‌السلطنه تزار روسیه در شرق بود و آن مرکز اسنادی فراهم شود که محققان مجبور نشوند برای دستیابی به استاد با صرف هزینه‌های کلان راهی سفر به آن و آن کشور شوند. متأسفانه همکاری

لازم نشد و این طرح عقیم ماند. آیا تاکنون اتفاق افتاده است که این استاد مساله مهمی را عیان سازند که بعد از گذشت مثلاً ۳۰ سال هنوز در پشت پرده باقی مانده باشد؟

بله. حتی در مسائل مهم جهانی مواردی دیده شده. در مورد تاریخ ایران در دوره قاجاریه و به ویژه در دوره پرحادنه مهم و جزئیات را عیان می‌کند. به این دلیل که این حوادث در جایی به جز در گزارش‌های مأموران انگلیسی ثبت نشده. بسیاری از اسناد دولتی ایران در آن زمان از بین رفته و رورتنامه‌های محلی نیز یا نبوده، محدود بوده یا همه مسائل را ثبت نکرده‌اند. مثلاً می‌توانم به گزارش‌های کنسولگری‌های بریتانیا در بمبوه، شیراز، اصفهان، رشت، کرمانشاه و... اشاره کنم که بدون آنها نگارش تاریخ ایران در دوره انقلاب مشروطه تقریباً غیرممکن است.

به نظر شما آرشیه ملی بریتانیا تمامی اسناد ۳۰ سال قبل را در اختیار می‌گذارد، یا اینکه باز هم برخی اسناد در طبقه‌بندی سری و محرمانه قرار می‌گیرند؟

خیر، من بارها در مصاحبه‌ها و نوشتار خود به این امر اشاره کرده‌ام. دکتر محمدعلی مجد نیز در مصاحبه‌ی که با من داشتند در این زمینه توضیح مشروح داده‌اند. ایشان روی اسناد آمریکایی در زمینه ایران کار کرده و به دستاوردهای بسیار مهمی رسیده‌اند. رویه آمریکایی‌ها در زمینه علنی کردن (از طبقه‌بندی خارج کردن) اسناد طبقه‌بندی شده بسیار قانونمندتر و بااثر است. مهم‌ترین نقص در انتشار اسناد بریتانیا محدودیت‌های بسیار شدیدی است که در زمینه علنی کردن اسناد اطلاعاتی وجود دارد. دولت بریتانیا تا سال‌های اخیر حتی وجود سازمانی به نام سرویس اطلاعاتی (ام‌ای ۱۶) را نمی‌پذیرفت در حالی که درباره این سازمان صدها کتاب منتشر شده بود.

دکتر کریستوفر تدوری استاد سرشناس دانشگاه کمبریج در کتاب معروفی که درباره تاریخ ام‌ای ۱۶ نوشته، تصریح می‌کند بسیاری از اسناد قدیمی بریتانیا، حتی مربوط به سال‌های قبل از جنگ جهانی اول و انقلاب بلشویکی روسیه، هنوز از طبقه‌بندی خارج نشده. بنابراین چنین نیست که حتماً پس از گذشت ۳۰ سال اسناد علنی شوند. از دهه ۱۹۸۰ میلادی فریادش اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد و فشار محققان برای اولین بار علنی کردن اسناد سازمان‌های اطلاعاتی بریتانیا آغاز شد ولی این اسناد هنوز شامل اسناد بسیار حساسی نیست. من به عینه دیده‌ام حتی در اسناد وزارت خارجه، که با اسناد سرویس‌های اطلاعاتی فوق خصوصی اسناد دیپلماتیک است، در مواردی گزارش‌های اطلاعاتی را به کلی سیاه و معدوم کرده‌اند.

گزارش‌هایی که مثلاً پارسوز به وزارت خارجه انگلیس می‌دهد تا چه اندازه از دقت و صحت برخوردار بود؟ برای نمونه در گزارشی که پارسوز داد نوشته در واقعه

خونین ۱۷ شهریور صدها نفر کشته شدند، اما روایت عمومی از این ماجرا تعداد کشته‌شدگان را چهلتن برابر رقم آگای پارسوز اعلام می‌کند؟

روایت عمومی، یعنی شایعاتی که در افواه رواج می‌یابد، درست نیست تا آنجا که من مطلع شهدای فاجعه ۱۷ شهریور کمتر از یکصد نفر بود. سغیر بریتانیا در بخشی از گزارش خود درباره شاه ایران نوشته است شاه را انسانی خجالتی و درونگرا قلمداد می‌کند که این روحیه با افزایش قدرت و شکوه او تقویت شده بود؛ فردی متزوی و فاقد حس مباحثه جدی که اطلاعاتش را به صورت دست دوم از افرادی دریافت می‌کرد که به طور مداوم از جامعه جداتر و خودکام‌تر می‌شدند و به جای واقعیت تلخ، قطعه به او چیزهایی را می‌گفتند که او دوست داشت بشنود. می‌خواستیم بهرسم اطلاعات ایشان درباره تحلیل شخصیت شاه تا چه اندازه با واقعیت تطابق داشته و

داره؟ این تسلیل از روانشناسی محمدرضا شاه درست است. سال‌ها قبل تر از آن خاتم آن کمپون کارمند سفارت بریتانیا در تهران که بعدها به یکی از برجسته‌ترین ایرانیان غریب بدل شد و اخیراً فوت کرد، در گزارشی به لندن نوشته بود: شاه موجود مهملی است که نه خود می‌تواند حکومت کند و نه می‌گذارد دیگران کشور را اداره کنند. ۴ ماروین رابینس در کتاب شکست شاهانه که به فارسی هم برگردانده شده، تحلیل جامعی از شخصیت فردی محمدرضا پهلوی به دست داده است.

در گزارش‌ها و اسناد آرشیه ملی بریتانیا چه گامی‌ها و نطفه ضعف و قوت‌های را مشاهده کرده‌اید؟

تصور می‌کنم در پاسخ به پرسش‌های قبل تا حدودی به این سوال پاسخ داده‌ام. بزرگ‌ترین لقیحه اسناد بریتانیا پنهان‌کاری در موارد حساس و به ویژه در زمینه اسناد سرویس‌های اطلاعاتی است. مثلاً به‌رغم اینکه نقش سیا (آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا) در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایران روشن است و حتی عتبات مادلین گیرایت وزیر خارجه وقت دولت آمریکا به این خاطر از ایران علنی‌خواهی کرد، ولی شما هیچ مدرکی درباره نقش سرویس اطلاعاتی بریتانیا در دو کودتای بزرگی که سرروشت ایران را رقم زد، یعنی کودتای سوم اسفند ۱۳۱۹ و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نمی‌یابید.

در حالی که امروز ما می‌دانیم در هر کودتای نقش درجه اول با سرویس اطلاعاتی بریتانیا بود و حتی در کودتای ۲۸ مرداد گامتون‌های انگلیسی-صهیونیستی بودند که گام به گام آمریکایی‌ها را به کودتا کشاندند. این مساله را به طور مستند در کتاب «کودتای ۲۸ مرداد» (انتشارات روایت فتح، ۱۳۸۷) توضیح داده‌ام.

فکر می‌کنید رویی را شاهد باشیم که در ایران هم دولت بعد از ۳۰ سال محدودیت دسترسی به اسناد را برآورد و به محققان و

مورخان اجازه استفاده از آنها را بدهد؟ در ایران هیچ رویه سازمان‌مند و قانونمندی برای علنی کردن اسناد وجود ندارد. هم اکنون بسیاری از اسناد حکومت پهلوی منتشر می‌شود ولی این امر تابع سلیقه مدیران موسسات خاص است در حالی که باید این اسناد در مراکز معین و طبق ضوابط قانونمند در دسترس همگان باشد نه اینکه مورد استفاده‌های خاص قرار گیرد.

زمانی خاتم استغاثی کروتین محقق انگلیسی برای استفاده از برخی اسناد به سازمان اسناد ملی ایران مراجعه کرده بود. خاتم کروتین به من گفت: «کارمند مربوطه وقتی از او سندی را خواستیم گفت این اسناد را داریم ولی چون خودم روی آنها کار می‌کنم در اختیار شما نمی‌گذارم!» این حرف را اگر کارمند یک مرکز اسناد آمریکایی یا انگلیسی یا گدایی یا فرانسوی بزند قطعاً از کار اصراح می‌شود.

و سخن آخر؟

در پایان باید تجلیل کنم از نقش دو محقق برجسته ایرانی که در سال‌های اخیر سهم بسزایی در ابیاح مسائل تاریخ ایران بر بنیاد اسناد از طبقه‌بندی خارج شده ایالات متحده آمریکا و بریتانیا داشته‌اند. اولی دکتر محمدعلی مجد است که برای نخستین بار تاریخ‌نگاری ایران بر بنیاد اسناد آرشیه ملی آمریکا (ان‌ا) را علنی بزرگ بخشید. دومی دکتر مجید نقری است که بخش عمده زندگی خود را وقت کارش در اسناد آرشیه‌های بریتانیا کرد و هم اکنون بر اساس اسناد تازه علنی شده آرشیه ملی بریتانیا، که تا اواخر سال ۱۳۵۸ را دربرمی‌گیرد، کار بزرگی در دست نهی و انتشار دارد.

نگاه

از دهه ۱۹۸۰ میلادی فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد و فشار محققان برای اولین بار علنی کردن اسناد سازمان‌های اطلاعاتی بریتانیا آغاز شد ولی این اسناد هنوز شامل اسناد بسیار حساسی نیست. من به عینه دیده‌ام حتی در اسناد وزارت خارجه، که با اسناد سرویس‌های اطلاعاتی فوق خصوصی اسناد دیپلماتیک است، در مواردی گزارش‌های اطلاعاتی را به کلی سیاه و معدوم کرده‌اند.



آقای شهبازی! اسنادی که در آرشیو ملی بریتانیا و به فاصله گذشت ۳۰ سال از يك واقعه آزاد می‌شود، تا چه اندازه و جایگاهی اهمیت دارد؟

اسناد دولتی بریتانیا از نظر مورخین، از جمله مورخین ایرانی، حائز اهمیت فراوان است به دو دلیل:

اول، جایگاه بزرگ بریتانیا در تکوین جهان معاصر از قرن شانزدهم میلادی که در مورد تاریخ ایران، برای مثال در اسناد مهمی چون سفرنامه جنکینسون به ایران، در زمان شاه طهماسب صفوی/ الیزابت اول، و سفرنامه‌ها و گزارش‌های بریتانیایی‌های سده‌های هیجدهم و نوزدهم میلادی ثبت شده. می‌دانیم که بریتانیا در قرن نوزدهم تا جنگ جهانی دوم یک امپراتوری جهانی بود و بخش مهمی از دنیا را زیر سیطره داشت. از این منظر، اسناد بریتانیا منحصر به فرد شناخته می‌شود.

دوم، بریتانیا تنها کشور اروپایی است که آرشیو و اسناد دولتی آن در بمباران‌های جنگ جهانی دوم آسیب ندید و پس از آتش‌سوزی بزرگ شهر لندن در زمان چارلز دوم (۱۶۶۶) توانست انبوهی از اسناد دولتی و خصوصی را در آرشیوهای مختلف گرد آورد. این گنجینه سبب شده که امروزه شهر لندن به یکی از بزرگترین مراکز تحقیقی مورخین بدل شود.

**نحوه تجمیع این اسناد چگونه است، یعنی از چه منابع و مراکزی این اسناد گردآوری می‌شوند؟**

مراکز اسناد بریتانیا متنوع است و تنها در یک مرکز مجتمع نیست. مهم‌ترین مکان، مرکز اسناد دولتی است که پیش‌تر Public Records Office نام داشت. این مرکز در سال ۱۸۳۸ میلادی تأسیس شد. در سال ۲۰۰۳ مرکز فوق به «آرشیو ملی» تبدیل شد و کار دیجیتالی کردن اسناد تاریخی را نیز دنبال کرد. امروزه، حدود ۲۷۰ میلیون برگ سند به صورت دیجیتالی و از طریق اینترنت در این مرکز در دسترس محققان است البته در ازای پرداخت پول. در واقع، مراکز اسناد بریتانیا همواره درآمد قابل توجهی از طریق ارائه اسناد داشته‌اند. این تنها مرکز اسناد دولتی بریتانیا نیست. آرشیو ملی اسکاتلند و مرکز اسناد ایرلند شمالی نیز به‌طور مستقل هستند.

به‌علاوه، باید به برخی مراکز اسناد مهم اشاره کرد مانند اسناد موجود در وزارت امور هندوستان سابق (ایندیا آفیس) که پس از استقلال هند به مرکز اسناد تبدیل شد. اسناد ایندیا آفیس به دلیل جایگاه دولت هند بریتانیا در امور ایران برای شناخت تاریخ ما حائز اهمیت فراوان است.

در دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های بریتانیا، مانند کتابخانه ملی بریتانیا، British Library و کتابخانه بادلین دانشگاه آکسفورد نیز میلیون‌ها کتاب و سند مکتوب و صوتی نگهداری می‌شود. این اسناد و کتب نفیس را بریتانیایی‌ها از قرون شانزدهم به بعد، به‌ویژه در سده نوزدهم، به بریتانیا منتقل کرده‌اند. مثلاً، از تلمود، کتاب فقهی یهودیان که کهن‌ترین کتاب فقهی جهان و یکی از مهم‌ترین منابع دین شناسی است، نسخه مهمی در کنیسه ای در قاهره به دست آمد که به کتابخانه بادلین انتقال یافت. این نسخه به سال ۱۱۲۳ میلادی تعلق دارد.

بخش دیگر اسناد بریتانیا، اسناد رجال و شخصیت‌های سیاسی است که در اماکن مختلف نگهداری می‌شود.

مثلاً، اسناد سِر سیسیل رودز، که مستعمرات انگلیس در جنوب آفریقا را ایجاد کرد و به عنوان بنیانگذار کمپانی دبیرز و امپراتوری جهانی الماس شناخته می‌شود، در کتابخانه بنیاد رودز در دانشگاه آکسفورد حفظ می‌شود.

اسناد شخصی بعضی از این رجال سیاسی یا اقتصادی در رابطه با تاریخ ایران حائز اهمیت اند مانند سِر وینستون چرچیل که در زمانی که وزیر جنگ بود کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ در ایران رخ داد و در زمانی که نخست‌وزیر بود کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

به اسناد کمپانی‌های فعال در ایران نیز باید اشاره کنم. مهم‌ترین آن‌ها، اسناد بانک شاهنشاهی ایران است که بعد از انضمام رسمی این بانک به بانک هنگ‌کنگ شانگهای HSBC اسناد فوق در بندر هنگ‌کنگ نگهداری می‌شد و پس از انضمام این بندر به چین به لندن انتقال یافت.

**تهیه‌کنندگان و نویسندگان این اسناد و نامه‌ها چه کسانی‌اند و دانش و تخصصشان در تحلیل و ارزیابی رویدادها تا چه اندازه کارشناسانه و مورد اعتماد است؟**

اسناد بریتانیا از منظر تهیه‌کنندگان و نویسندگان طیف وسیعی را در بر می‌گیرد. برخی اسناد رسمی دولتی است. مثلاً، فرمان است یا صورتجلسه. برخی گزارش‌های مأموران محلی در فلان شهر دورافتاده است. برخی سفرنامه است. در میان گزارش‌های محلی گاه جزئیات بسیار ارزشمندی یافت می‌شود به خصوص در قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم که در منابع ایرانی ثبت نشده. یک نمونه، گزارش‌های غلامعلی خان نواب از حوادث شیراز در دوره ناصرالدین شاه است که مرحوم سعیدی سیرجانی آن را با عنوان "وقایع اتفاقیه" منتشر کرد البته بدون ذکر نام گزارش دهنده یعنی غلامعلی خان نواب.

استفاده از سند به تخصص و دانش مورخ بستگی دارد. گاه از یک سند به ظاهر کم‌ارزش می‌توان به نتایجی بزرگ رسید. گاه اسناد از منظر افراد مغرض است ولی قابل استفاده است. نمی‌توان در این زمینه حکم قطعی داد و یک فرمول ارائه نمود که بر اساس آن همه اسناد را بتوان محک زد. استفاده از سند کاری است بسیار تخصصی و نیازمند ممارست و تجربه.

**آیا سیاست و روشمندی خاصی برای برخی گزارش‌هایی که سفرای انگلیس از اقصی نقاط دنیا، مثلاً ایران، می‌فرستند حاکم است و یا اینکه برخی از این گزارش‌ها سلیقه‌ای است؟**

گزارش‌های رسمی روش مند است. برخی گزارش‌ها حاوی اتفاقات و وقایع است و ممکن است شامل شایعات نیز باشد. برخی سلیقه‌ای است. ده‌ها میلیون برگ سند وجود دارد و نمی‌توان آن‌ها را تابع یک حکم کرد.

**در ارسال گزارش محدودیت جغرافیایی مد نظر است و یا محدودیت موضوعی، برای نمونه اگر در کنفرانس گوادلوپ درباره ایران بحثی شود، مسئول تنظیم گزارش و ارجاع آن به وزارت خارجه چه می‌زی است؟**

اسناد مختص به وزارت خارجه نیست. در بریتانیا، کلیه اسناد دولتی حفظ می‌شود و این امر شامل تمامی نهادهای دولتی است.

شما به عنوان محقق شاخص عرصه تاریخ معاصر، چه ارزیابی از این اسناد دارید و انطباق آنها با واقعیت‌های سیاسی را تا چه اندازه مهم ارزیابی می‌کنید؟

من، به عنوان محقق، تاریخنگاری ایران را بدون بهره‌گیری از اسناد بریتانیا ناممکن می‌دانم. زمانی که در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران مسئولیت داشتم، به شدت در تلاش بودم تا با استفاده از امکانات گسترده مالی بنیاد حتی‌المقدور تصاویر اسناد آرشیوهای بریتانیا و آمریکا و فرانسه و روسیه، به خصوص اسناد تفلیس که مرکز نایب‌السلطنه تزار روسیه در شرق بود و اسناد باکو، و غیره فراهم شود و بر اساس آن مرکز اسنادی فراهم شود که محققین مجبور نشوند برای دستیابی به اسناد با صرف هزینه‌های کلان راهی سفر به این و آن کشور شوند. متأسفانه، همکاری لازم نشد و این طرح عقیم ماند.

آیا تا کنون اتفاق افتاده است که این اسناد مسئله مهمی را عیان سازند که بعد از گذشت مثلاً ۳۰ سال هنوز در پشت پرده باقی مانده باشد؟

بله. حتی در مسائل مهم جهانی مواردی دیده شده. در مورد تاریخ ایران در دوره قاجاریه و به‌ویژه در دوره پرحادثه انقلاب مشروطه این اسناد بسیاری مسائل مهم و جزئیات را عیان می‌کند به این دلیل که این حوادث در جایی به جز در گزارش‌های مأموران انگلیسی ثبت نشده. بسیاری از اسناد دولتی ایران در آن زمان از بین رفته و روزنامه‌های محلی نیز یا نبودند، محدود بودند یا همه مسائل را ثبت نکرده‌اند. مثلاً، می‌توانم به گزارش‌های کنسولگری‌های بریتانیا در بوشهر و شیراز و اصفهان و رشت و کرمانشاه و غیره اشاره کنم که بدون آنها نگارش تاریخ ایران در دوره انقلاب مشروطه تقریباً غیرممکن است.

به نظر شما آرشیو ملی بریتانیا تمامی اسناد ۳۰ سال قبل را در اختیار می‌گذارد، یا اینکه باز هم برخی اسناد در طبقه بندی سری و محرمانه قرار می‌گیرند؟

خیر. بارها در مصاحبه‌های و نوشتار خود به این امر اشاره کرده‌ام. دکتر محمدقلی مجد نیز در مصاحبه‌ای که با من داشتند در این زمینه توضیح مشروح داده‌اند. ایشان بر روی اسناد آمریکایی در زمینه ایران کار کرده و به دستاوردهای بسیار مهمی رسیده‌اند. رویه آمریکایی‌ها در زمینه علنی کردن (از طبقه‌بندی خارج کردن) اسناد طبقه‌بندی‌شده بسیار قانونمندتر و بازتر است. مهم‌ترین نقص در انتشار اسناد بریتانیا محدودیت‌های بسیار شدیدی است که در زمینه علنی کردن اسناد اطلاعاتی وجود دارد. دولت بریتانیا تا سال‌های اخیر حتی وجود سازمانی به نام سرویس اطلاعاتی (ام. آی. ۶) را نمی‌پذیرفت در حالی‌که درباره این سازمان صدها کتاب منتشر شده بود! دکتر کریستوفر اندریو، استاد سرشناس دانشگاه کمبریج، در کتاب معروفی که درباره تاریخ ام. آی. ۶ نوشته، تصریح می‌کند که بسیاری از اسناد قدیمی بریتانیا، حتی مربوط به سال‌های قبل از جنگ جهانی اول و انقلاب بلشویکی روسیه، هنوز از طبقه‌بندی خارج نشده. بنابراین، چنین نیست که حتماً پس از گذشت سی سال اسناد علنی شوند. از دهه ۱۹۸۰ میلادی فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد و فشار محققان برای اولین بار علنی کردن اسناد سازمان‌های اطلاعاتی بریتانیا آغاز شد ولی این اسناد هنوز شامل اسناد بسیار حساس نیست. من بعینه دیده‌ام که حتی در اسناد وزارت خارجه، که با اسناد سرویس‌های اطلاعاتی فرق می‌کند و اسناد دیپلماتیک است، در مواردی گزارش‌های اطلاعاتی را به‌کلی سیاه و معدوم کرده‌اند.

گزارش‌هایی که مثلاً پارسونز به وزارت خارجه انگلیس می‌داد تا چه اندازه از دقت و صحت برخوردار بود؟ برای نمونه در گزارشی که پارسونز داد نوشته که در واقعه خونین ۱۷ شهریور صدها نفر کشته شدند، اما روایت عمومی از این ماجرا تعداد کشته‌شدگان را چندین برابر رقم‌آقای پارسونز اعلام می‌کند؟

شهبازی: روایت عمومی، یعنی شایعاتی که در افواه رواج می‌یابد، درست نیست. تا آنجا که من مطلع شهدای فاجعه هفده شهریور کمتر از یکصد نفر بود.

سفیر بریتانیا در بخشی از گزارش خود درباره شاه ایران نوشته است: «شاه را انسانی خجالتی و درون‌گرا قلمداد می‌کند که این روحیه با افزایش قدرت و شکوه او تقویت شده بود، فردی منزوی و فاقد حس مباحثه جدی که اطلاعاتش را به صورت دست دوم از افرادی دریافت می‌کرد که به طور مداوم از جامعه جداتر و خودکام‌تر می‌شدند و به جای واقعیت تلخ، فقط به او چیزهایی را می‌گفتند که او دوست داشت بشنود.» می‌خواستم بپرسم اطلاعات ایشان درباره تحلیل شخصیت شاه تا چه اندازه با واقعیت تطابق داشته و دارد؟

این تحلیل از روان‌شناسی محمدرضا شاه درست است. سال‌ها قبل‌تر از آن خانم آن لمبتون، کارمند سفارت بریتانیا در تهران که بعدها به یکی از برجسته‌ترین ایران‌شناسان غرب بدل شد و اخیراً فوت کرد، در گزارشی به لندن نوشته بود: «شاه موجود مهملی است که نه خود می‌تواند حکومت کند و نه می‌گذارد دیگران کشور را اداره کنند.» ماروین زونیس در کتاب «شکست شاهانه» که به فارسی هم برگردانده شده است، تحلیل جالبی از شخصیت فردی محمدرضا پهلوی به دست داده است.

**در گزارش‌ها و اسناد آرشیومی بریتانیا چه کاستی‌ها و نقطه ضعف و قوت‌هایی را مشاهده کرده‌اید؟**

تصور می‌کنم در پاسخ به پرسش ۸ تاحدودی به این سؤال پاسخ داده‌ام. بزرگترین نقیصه اسناد بریتانیا پنهانکاری در موارد حساس و به‌ویژه در زمینه اسناد سرویس‌های اطلاعاتی است. مثلاً، به‌رغم این‌که نقش سیا (آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا) در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایران روشن است و حتی خانم مادلین آلبرایت، وزیر خارجه وقت دولت آمریکا، به این خاطر از ایران عذرخواهی کرد، ولی شما هیچ مدرکی درباره نقش سرویس اطلاعاتی بریتانیا در دو کودتای بزرگی که سرنوشت ایران را رقم زد، یعنی کودتای سوّم اسفند ۱۲۹۹ و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نمی‌یابید. در حالی‌که امروزه ما می‌دانیم در هر دو کودتا نقش درجه اول با سرویس اطلاعاتی بریتانیا بود و حتی در کودتای ۲۸ مرداد کانون‌های انگلیسی-صهیونیستی بودند که گام به گام آمریکایی‌ها را به کودتا کشانیدند. این مسئله را به‌طور مستند در کتاب «کودتای بیست و هشت مرداد» (انتشارات روایت فتح، ۱۳۸۷) توضیح داده‌ام.

**فکر می‌کنید روزی را شاهد باشیم که در ایران هم دولت بعد از ۳۰ سال محدودیت دسترسی به اسناد را بردارد و به محققان و مورخان اجازه استفاده از آنها با بدهد؟**

در ایران هیچ رویه سامان‌مند و قانونمندی برای علنی کردن اسناد وجود ندارد. هم‌اکنون بسیاری از اسناد حکومت پهلوی منتشر می‌شود ولی این امر تابع سلیقه مدیران مؤسسات خاص است. در حالی‌که باید این اسناد در مراکز معین و طبق ضوابط قانونمند در دسترس همگان باشد نه این‌که مورد استفاده‌های خاص قرار گیرد. زمانی خانم استفانی کرونین، محقق انگلیسی، برای استفاده از برخی اسناد به سازمان اسناد ملی ایران مراجعه کرده بود. خانم کرونین به من گفت: «کارمند مربوطه وقتی از او سندی را خواستم گفت این اسناد را داریم ولی چون خودم روی آن‌ها کار می‌کنم در اختیار شما نمی‌گذارم!» این حرف را اگر کارمند یک مرکز اسناد آمریکایی یا انگلیسی یا آلمانی یا فرانسوی بزند قطعاً از کار اخراج می‌شود.

**و سخن آخر؟**

در پایان باید تجلیل کنم از نقش دو محقق برجسته ایرانی که در سال‌های اخیر سهم به‌سزایی در ایضاح مسائل تاریخ ایران بر بنیاد اسناد از طبقه‌بندی خارج شده ایالات متحده آمریکا و بریتانیا داشته‌اند. اولی، **دکتر محمدقلی مجد** است که برای نخستین بار تاریخنگاری ایران را بر بنیاد اسناد آرشیو ملی آمریکا (نارا) غنایی بزرگ بخشید. دومی، **دکتر مجید تفرشی** است که بخش عمده زندگی خود را وقف کاوش در اسناد آرشیوهای بریتانیا کرد و هم‌اکنون بر اساس اسناد تازه علنی شده آرشیو ملی بریتانیا، که تا اواخر سال ۱۳۵۸ را در بر می‌گیرد، کار بزرگی در دست تهیه و انتشار دارد.

تاریخ انتشار در وبگاه شهبازی: یکشنبه، ۲۰ دی ۱۳۸۸ / ۱۰ ژانویه ۲۰۱۰